رویداد

از امروز آغاز می‌شود

سومین کارگاه آموزشی مجسمه‌سازی با سنگ

شرق: سومین کارگاه آموزشی مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ از ۷ تا ۱۸آبان برگزار می‌شود. آموزشگاه هنرهای تجسمی آریا با همکاری کارخانه «سبا سنگ» برگزارکنندگان این رویداد هستند که از امروز هفتم‌آبان با تم موضوعی «همجواری» به‌مدت ۱۲روز (صدساعت آموزشی) در محل کارخانه «سبا سنگ» برگزار می‌شود. در سومین کارگاه آموزشی مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ که با حضور «علی جبارحسین»، مجسمه‌ساز معروف عراقی‌تبار مقیم انگلیس برپا می‌شود، راحیل کریم‌لو، شیدا نوری، نسیم دهقان، مریم عماد، فرزانه عبدلی، الهام پویان، حمیده آتش‌پا، نازلی پورشیرمحمد و مریم بیاتی با استفاده از تجربیات حرفه‌ای و هنری این مجسمه‌ساز به خلق مجسمه‌های سنگی خواهند پرداخت. علی جبارحسین، برگزیده اولین سمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سازی تهران است که نمایشگاه‌های متعددی از جمله در آلمان، دانمارک، انگلستان، بیروت و عراق برگزار کرده است؛ جبارحسین، از میان صدها اثر رسیده، آثار این ۹مجسمه ساز جوان را برای حضور در این کارگاه آموزشی که به‌صورت رایگان برپا می‌شود، برگزیده است. حمید سوری، حمید شانس و فرشید مثقالی هیات‌داوران کارگاه آموزشی مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ هستند که قرار است از میان ۹اثر خلق‌شده داوری کنند و به دوهنرمند برگزیده امکان سفر مطالعاتی به‌علاوه تمامی هزینه‌های اقامت در ترکیه، ارمنستان یا ایتالیا را اهدا کنند.

آریـا اقبال و بابک بهرامـی برگزارکنندگان، این رویـداد اعتقاد دارند؛ تجربه مجسمه‌سـازی با مواد سـختی چون سـنگ، موانع بسـیاری را بر سر راه هنرمنـد قرار می‌دهد که دسـتیابی بـه قطع‌های سنگی موردنظر، دشـواری حمل‌ونقل، هزینه‌های گزاف، نداشتن فضای کارگاهی مناسب و تجهیزات لازم از جمله این موانع هسـتند. بر این اساس ایده برپایی این کارگاه آموزشـی با توجه به نبود آموزش صحیح و بنیادین در زمینه مجسمه‌سازی با سنگ شکل گرفته است. بازدید از سومین کارگاه آموزشی مجسمه‌سازی پیشرفته با سنگ از ۹ تا ۱۸آبان برای علاقه‌منـدان امکان‌پذیر خواهد بـود. همچنین در روزهای ۱۶و۱۸آبان تور نمایشـگاهی بازدید از این رویداد از سوی برگزارکنندگان درنظرگرفته شده که نیازمند هماهنگی با آموزشگاه و گالری آریاست.

هفت‌جهان

نامزدهای «گنکور» از جنگ نوشتند

شرق: آکادمی مهم‌ترین جایزه ادبی فرانسه در کمتر از یک‌هفته مانده به اعلام برنده، چهارفینالیسـت نهایی خـود را با معرفی دوزن و دومرد برای سـال۲۰۱۴ اعلام کرد. به‌گزارش آکادمی گنکور در رقابت امسال گنکور که پنجم‌نوامبر به ریاست برنارد پیووت نتیجه نهایی‌اش اعلام می‌شـود، چهارنامزد را انتخاب کرده که آثارشـان درباره جنگ اسـت. یکی از این نامزدها نویسنده و روزنامه‌نگار الجزایری‌الاصل اسـت؛ کامـل داوود اولین رمانش یعنی، «مورسو علیه بازجویی» برداشتی از «بیگانه» آلبر کامو است که در آن به روزهای خونین الجزایر اشـاره دارد. پائولین دریفوس نیز با «چیزهایی هستند که اتفاق می‌افتند» نامزد گنکور شده است. این رمان درباره جنگ‌جهانی دوم و تاثیر آن بر سرنوشـت یک‌زن، است. همچنین رمان «دوشس سرونتو»، نوشته لیدی سالواری که داستان زندگی مادری به نام مونسـه و ژرژ برنانـوس را در جریان جنگ داخلی اسپانیا نوشـته اسـت. دیوید فونکیوس، نویسنده جوان فرانسـوی که در رمان جدیدش با عنوان «شارلوت» ادای احترامی به شارلوت سـالومون، هنرمند جوانی کرده که در سـال۱۹۴۳ در آشوویتس درگذشت. گنکور به‌عنوان قدیمی‌ترین، مشهورترین و بحث‌برانگیزترین جایزه ادبی فرانسـه، صدسالگی‌اش را در سـال۲۰۰۳ جشن گرفت. اعضای آکادمی گنکور متشـکل از ۱۰نفر، سه‌شنبه‌های اول‌مـاه در تالار مخصـوص خود که در طبقه نخسـت رستوران دروان پاریس واقع شده، دورهم جمع می‌شوند. برنده جایزه ادبی گنکور فقط یک چک نمادین ۱۰یورویی دریافت می‌کند، اما این ظاهر ماجراست چون درواقع این جایزه، فروش ۳۰۰هزارنسخه از کتابش را برای او تضمین می‌کند. هر نویسـنده در زندگی ادبـی خود تنها یک‌بار می‌تواند برنده این جایزه شود. سال۲۰۱۳ گنکور، رمان «خداحافظ طبقه بالایی‌ها» نوشته پی‌یر لومیتره را به‌عنوان برنده برگزیده بود.

«ناگهان هذا حبیب‌الله...» رفت

شرق: در حالی که تئاترشهر آماده می‌شد نمایش «ناگهان...» را بخواند این نمایشنامه لغو شـد. این اتفاق در حالی رخ داد که قرار بود رییس شورای نظارت و ارزشیابی تئاتر آن را کارگردانی کند. اما درسـت چندسـاعت قبـل از اجرا بدون توضیحی اعلام شد این نمایش خوانده نخواهد شد. «ناگهان هذا حبیب‌الله مات فی‌حب‌الله هذا قتیل‌الله مات بسـیف‌الله» نوشـته عباس نعلبندیان اسـت و گفته می‌شود او این نمایش را به امام‌حسـین(ع) تقدیم کرده. به همیـن دلیل قرار بود در برنامه نمایشـنامه‌خوانی سوگواره عاشورا روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه خوانده شود. اما به نظر برخی بولتن‌سازی‌ها درباره این نمایشنامه باعث شد رییس مرکز هنرهای نمایشـی تصمیم خود را برای خواندن این نمایشنامه لغو کند. «حسین طاهری» البتـه بعد از لغو این اجرا در گفت‌وگو با ایرنا گفته: «این نمایش که به کارگردانی رضا دادویی براساس نمایشنامه «ناگهان هذا حبیب‌الله»، عباس نعلبندیان بازنویسی شده است، به درخواست کارگردان پس از بازبینی کامل، اطلاع‌رسانی لازم و تمرین بیشتر به اجرا درخواهد آمد. به‌دلیل عدم‌اطلاع‌رسانی کافی، این شایبه ایجاد شده که این نمایش، عین نمایشنامه هذا حبیب‌الله، نعلبندیان است که اجرا می‌شود و همین امر، کارگردان را به بازبینی بیشتر و آگاهی‌رسانی لازم در این زمینه واداشته است.» این حرف‌های طاهری در حالی گفته شده است که این نمایش در آستانه بازخوانی، مجوز اجرا دریافت نکرده اسـت و روی صحنه نرفته اسـت. با این همه طاهـری می‌گوید: «این نمایش یکی از انتخاب‌ها بود که پس از بازنویسـی اولیه توسط کارگردان مجوز اجرا دریافت کرد اما اکنون به‌منظور احترام به افکارعمومی، رضا دادویی به خواست خود و به‌خاطر عدم‌اطلاع‌رسانی کافی و همچنین ضرورت تمرین بیشـتر، از اجرای آن انصراف داده است.» اما این نکته درست برخلاف نظر کارگردان اسـت. دادویی که این متن را بازنویسـی کرده با بیان اینکه متن کاملا تغییر کرده است به «شرق» گفته: «این متن به‌گونه‌ای بازنویسی شده که اگر خود عباس نعلبندیان امروز می‌خواست آن را بازنویسی کند همین‌طوری عمل می‌کرد و نمایشـنامه‌اش را نزدیک به آنچه ما بازنویسـی کرده‌ایم می‌نوشت. معتقدم این نمایش برگرفته از فرهنگ عاشورایی است و می‌تواند منطبق بر شرایط حال حاضر جامعه ما باشد. به نظرم هر شخصی که روح و جانش ذره‌ای به فرهنگ عاشورایی نزدیک باشـد با تماشای این نمایشنامه با چشم گریان از سالن خارج خواهد شد. تمام کسانی که ذره‌ای انصاف دارند را دعوت می‌کنم تا این نمایشنامه را ببینند و درباره آن قضاوت کنند.»

گوهر خیراندیش بازیگر «آتش‌بس۲»

از سرمایه‌گذاری بابک زنجانی غافلگیر شدم

بهنـاز شـیربانی: گوهرخیراندیـش، چه زمانی کـه نقش زنی پیوندخورده با اصالـت و پایبند خانواده را ایفا می‌کند، چه آن موقع که در فیلم‌هایی چون «ارتفاع پسـت» یا «واکنش پنجم» ظاهر می‌شود، شـمایلی قهرمانانه از خود ارایه می‌دهد. ماه‌ها پیش او بر اثر سانحه‌ای سر صحنه فیلم «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» راهی بیمارستان شد و خطری بزرگ را از سر گذراند، با این حال مدتی بعد پـر انرژی‌تر از قبل به عرصه‌ای که آن را «مقدس» می‌شمارد و برایش سال‌ها عمر صرف کرده بازگشت. با گوهر خیراندیش درباره بازی در فیلم «آتش‌بس ۲» به گفت‌وگو نشستیم

نقش «نقره شیرازی» چطور شکل گرفت؟

بعـد از «واکنش پنجم» این فیلم، دومین همکاری من با تهمینه میلانی است، همکاری با او همیشه لذت‌بخش است. این نقشی بود که خانم میلانی تشخیص دادند که من گزینه مناسبی برای ایفای آن هستیم. البته در شکل‌گیری این نقش تجربه‌های شـخصی کارگردان هم نقش داشـت. چون ظاهرا پرستاری با چنین ویژگی‌هایی در خانه‌شان کار می‌کرده است.

شیرازی حرف‌زدن این نقش، پیشنهاد چه کسی بود؟

لهجه شیرازی پیشـنهاد من بود و خانم میلانی هم از این پیشنهاد استقبال کرد. این نقش را دوست داشتم و انرژی زیادی برای طراحی آن گذاشـتم. من همان‌طور که «نقره شیرازی» را در فیلمنامه دیده بودم، وارد دفتر کار خانم میلانی شدم. البته لباس‌هایی که در فیلم به تن من می‌بینید هم داستان جالبی دارد. دامن پیچازی چارخانه سبز، مشکی و زرشکی رنگ خودم را به تن کردم، ژاکت مادرم، کلاه دختر کوچکم، عینک همسرم و کفش دخترِبزرگم را پوشیدم. من این نقش را با چنین ظاهری دیده بودم. این نقش با اینکه به نسبت نقش‌های دیگر کوتاه بود اما دوستش داشتم و تجربه خوبی بود. نقطه‌نظراتم را در ارتباط با این نقش با خانم میلانی مطرح می‌کردم و او با هوشـمندی و گشاده‌رویی هر کدام از پیشنهادهایی که مناسب نقش بود را تقویت و هر کدام مناسب نبود را هم رد می‌کرد. چند روزی که در کنار گروه تولید این فیلم بودم لحظات خوب و مفرحی برایم بود. در زمان فیلمبرداری لحظه‌هایی از بازی من در فیلم گروه را به خنده می‌انداخت و فکر می‌کنم از همان لحظه خانم میلانی متوجه شده بود که تماشاچی هم با نقش ارتباط برقرار می‌کند.

ایـن نقـش از ابتدا با همین نـام، «نقره شـیرازی» در فیلمنامه بود؟

بعد از خواندن فیلمنامه روزی به دفتر خانم میلانی رفتم و بخش اول معرفی خودم را برایش بازی کردم. «نقره شـیرازی» در معرفـی خودش می‌گویـد که مادرش هفت‌بچه داشـته که همـه آنها مرده‌اند و مادر نذر می‌کنـد، اگر بچه آخر زنده بماند، گلدسته‌های «بی‌بی‌زینبیه» را نقره کند. «بی‌بی‌زینبیه» امامزاده‌ای نزدیک خانه مادرم در شیراز است. فکر کردم ترکیب اسم نقره و فامیلی شیرازی مناسب نقش باشد. وقتی نقش را بازی کردم او با شنیدن این پیشنهادات سر شوق آمد و پشت ماشـین تحریرش نشست و آنها را در دل فیلمنامه تایپ کرد و حاصل این همفکری‌ها شـد «نقره شـیرازی» که زنی است خوش‌مشرب، با تجربه و دوست‌داشتنی، که انگلیسی هم بلد اسـت حرف بزند. چراکه فکر کردم یکی از شوهرانش مثلا در شـرکت نفت کار می‌کرده و انگلیسی هم بلد بوده و به تبع از او یاد گرفته است.

از سوی دیگر بخشی از روانشناسی داستان که از زبان دکتر روایت می‌شود، در رفتار این شخصیت گنجانده شده است.

بله. این زن با همه اینکه سـواد آکادمیک ندارد، اما تجربه زندگی‌کردن دارد و به‌نوعی تجربه خودش را با این زوج درمیان می‌گذارد. آتیلا پسیانی نقش‌اش را به‌خوبی ایفا کرده و من فکر می‌کنم نکاتی که از زبان یا رفتار «نقره» در بحث روانشناسـی فیلم دیده می‌شـود، در همین حد کفایت می‌کند. شاید اگر نکاتی در ارتباط با زندگی مشترک توسط «نقره» مطرح می‌شد، ممکن بود موردقبول واقع نشـود. خانم میلانی دوست داشت بخشی از شخصیت «نقره» کاملا مطیع و طرفدار مرد باشد و این وجه از شـخصیت او را پررنگ‌تر نشان دهد. تا به امروز نظرات مختلفی درباره این نقش شـنیده‌ام و فکر می‌کنم مخاطب با آن ارتباط خوبی برقرار کرده باشـد. اساسـا فضـای کارهای خانم‌میلانی بستری برای شکوفایی بازیگرانش فراهم می‌کند و این اتفاق خوبی است.

سال گذشـته در دوفیلم ایفای نقش کردید که هردو حواشی بسیاری داشت؛ «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» که سر صحنه فیلم دچار سانحه شدید و دیگری «نقش نگار» که حواشی بسیاری در پی داشت. چه شد که مقابل دوربین علی عطشانی رفتید؟

امیدوارم این فیلم به‌زودی نمایش داده شود؛ چرا که همه ما، چه بازیگران مقابل دوربین و چه کسانی که پشت دوربین حضور داشتند، زحمت زیادی برای ساخت این فیلم کشیدند. اما نکته‌ای که در مراحل ساخت این فیلم وجود داشت، این بود که علی عطشانی با سرمایه کمی ساخت فیلم را آغاز کرد و از همه عوامل خواست به‌اصطلاح با او راه بیایند و کمکش کنند تا فیلم ساخته شود. ما هم از دستمزد اصلی‌مان گذشتیم. تا پایان فیلمبرداری ما نمی‌دانستیم چه کسی سرمایه‌گذار اصلی فیلم است. زمانی که آمریکا بودم، عکس صفحات روزنامه‌های ایران را با تیتر سرمایه‌گذاری بابک زنجانی در یک میهمانی که بعد از پایان فیلمبرداری رسانه‌ای شده بود را دیدیم و کاملا غافلگیر شدم. ظاهرا علی عطشانی مدتی قبل از اینکه فیلمبرداری تمام شـود، کمک مالی‌ای را از آقای‌زنجانی بـرای اتمام این پروژه گرفته بودند که مـا در جریان نبودیم. تعجب من از این بابت بود که اتفاقا چندروز قبل از پایان فیلمبرداری آقای‌عطشانی، در لوکیشن جنگل چیتگر، مشکل مالی‌شان را دوباره با من و آتیلا پسیانی مطرح کردند و از ما خواستند بازهم از مبلغی که در ابتدا برای کمک به او از دستمزدمان تخفیف داده بودیم، کوتاه بیاییم و ما هم پذیرفتیم. متاسـفانه گروه تولید به تعهدات مالی‌شان عمل نکردند. اما این فیلم سرمایه‌گذاری‌ای داشت که این شبهه را برای بسیاری ایجاد کرد که عوامل فیلم حتما دستمزدهای آنچنانی گرفته‌اند. اینگونه نبوده و ما از وجود این سرمایه‌گذار باخبر نبودیم. من هرگز از شرایط به وجودآمده راضی نیستم.

شماسکانس‌هایی هم با آقای‌ملک‌مطیعی بازی داشتید. چطور تجربه‌ای بود؟

آقـای ملک‌مطیعی بسـیار حضور محکـم و تاثیرگذاری داشـتند. در برداشـت اول دیالوگ‌هـا را بـدون هیچ مکثی می‌گفتند، البته بخشـی از این دیالوگ‌ها بداهه بود که کاملا برگرفته از حس درونی و زلال او بود که از زبانش جاری می‌شد و همه را تحت تاثیر قرار می‌داد. خوشحالم در این فیلم در مقابل او بازی کردم و تجربه بسیار خوبی بود.

بعد از ۲۲سـال بار دیگر مقابل دوربیـن آقای‌جوزانی هسـتید. کمـی درباره نقشـی کـه ایـن روزهـا در فیلم «ایران برگر» ایفا می‌کنید، بگویید.

بله. من و آقای‌جوزانی سـال‌ها پیـش در فیلم «یک مرد یـک خـرس» تجربه همکاری داشـتیم. بـازی در این فیلم هم داسـتان جالبی دارد. خاطرم هسـت، در یکی از روزهای فیلمبرداری این فیلم، صبح زود همسـرم، زنده‌یاد جمشـید اسـماعیل‌خانی سر صحنه رفتند و بعد از چندساعت همراه با آقای‌جوزانی به خانه برگشت. آقای‌جوزانی به من گفت: «گوهر، عموجان پاشو بریم سر صحنه فیلمبرداری» از من خواستند در فیلم بازی کنم و من تعجب کردم، با خنده و شوخی با موضوع برخورد و سـعی کردم صبحانه‌ای برای همسرم و آقای‌جوزانی تدارک ببینم. اما آقای‌جوزانی روی تصمیم‌شان جدی بودند و بـه حضور من نیاز بود. گفتند که بایـد همان‌روز نقش زنی را بازی کنم دختر زاسـت و شوهرش برای اینکه برای او پسری نیاورده، سـرش هوو آورده و امروز جشن عروسی شوهرش با آن خانم اسـت و من همان کسی بودم که باید میهمانی را به هم می‌ریخت.

کم‌کـم بـاور کـردم. صبحانـه را خوردیم و سـر صحنه فیلمبرداری حاضر شـدم. گریم شدم و لباس پوشیدم و نقش آن زن را بـازی کـردم. خودم هم وقتی پس از این همه‌سـال این نقش را به خاطر می‌آورم و مرور می‌کنم، دوسـتش دارم. حس خوب من از این بازی به این دلیل اسـت که به جملات آقای‌جوزانی و دیالوگ‌های نقش، احساسات خودم را هم اضافه کردم و آنچنان مظلومیت زن را که گناهی نداشته دختر به دنیا آورده، فریـاد زدم و گریه کردم که همه را تحت‌تاثیر قرار دادم. بعد از آن سـکانس، آقای‌جوزانی، عوامل فیلم و جمعیتی که به‌عنوان هنرور در آنجا جمع شـده بودند، از اجرای این نقش راضی بودند و آقای‌جوزانی از همه خواسـت برایم دست بزنند. این را نگفتم که بگویم خوب بازی کردم، بلکه همان تشـویق عوامل و راضی‌بودن کارگردان دستمزدی برای من بود.

امـا در مورد «ایـران برگر» اجازه دهید کـه از طرح اصلی فیلمنامه زیاد صحبت نکنم، اما نوید آن را دهم که تماشاچیان ما شـاهد قصه بسـیار جذاب و دیدنی توسط بازیگران بسیار باتجربه مثل علی نصیریان، محسن تنابنده، شهره لرستانی و دوستان دیگر خواهند بود. خوشحالم آقای تورج منصوری مدیر فیلمبرداری که دوست و همکار همیشگی آقای‌جوزانی هستند نیـز در این کار حضور دارند و البته همراهی بازیگران جوان و بااستعدادی که قطعا این فیلم را دیدنی خواهد کرد.

ظاهرا در فیلم «رخ دیوانه» ابوالحسن داوودی هم نقش کوچکی ایفای کرده‌اید؟

بله نقشم کوتاه است. آشنایی ما به سال‌ها قبل برمی‌گردد؛ به زمانی که «بوی خوش زندگی» و «نان، عشـق، موتور۱۰۰۰» سـاخته شـد و من کارهای آقای‌داوودی را دوست دارم. نقش کوتاه یا بلند فرقی نمی‌کند. این نقش جذابیت‌های زیادی برایم داشت. برش کوتاهی از زندگی زنی است که با همسر و فرزندش رابطه خوبی نداشـته و روایت این بخش از زندگی او جذابیت زیادی برایم داشت.

گویا فیلم مستندی درباره شما در حال ساخت است. سـاخت این فیلم مستند از چه زمانی آغاز شده است. چه کسی آن را کارگردانی می‌کند؟

قرار بود در بزرگداشـتی که برای من گرفته می‌شـود، تعـدادی از کارگردان‌هـا و بازیگـران مقابـل دوربیـن، نقطه‌نظراتشـان را دربـاره من و فعالیت هنـری‌ام بگویند. آقای‌پوریا حیدری کارگردان جوانی که فیلم‌هایش، مثل فیلم «آنسوی بن‌بست» تاکنون در جشنواره‌های مختلفی در دنیا جوایز معتبری کسب کرده، پیشقدم شدند مستند پرتره‌ای از زندگی‌ام بسازند.

پیشخان

«ریلکسیشن» ایرانی «با نیلوفر تا مهتاب»

شرق: آلبوم صوتی ریلکسیشن ایرانی با عنوان «با نیلوفر تا مهتاب»، به قلم و با اجرای مهرداد محمدپور، آهنگسازی و تنظیـم ایمان حجت و براسـاس پژوهشـی از حسـن قاسمعلی‌پور به‌صورت موسـیقی گفتار وارد بازار شد. اثر شنیداری مذکور مجموعه‌ای در دوبخش است که با هدف ایجاد فضایی مناسـب جهت انجام تکنیک‌های تن‌آرامی و منطبق با اصول علمی و روانشناسـی تولید شده است. بخش اول این آلبوم، علمی‌وپژوهشـی اسـت که واکنش تن‌آرامی نام دارد و به گفتاری خبری- تحلیلی درخصوص تن‌آرامـی و مراقبه، بیان تفاوت‌هـا و مزیت‌های این دو و نیـز ارایه تکنیک‌های تن‌آرامی از جمله خاموشـی ذهن، تنفس عمیق، تجسم فعال و شل‌کردن تدریجی عضلات می‌پردازد. در بخش دوم که ادبی- هنری اسـت مقدمه‌ای بـا عنوان حریر رویا، چهار بخـش اصلی با عناوین صدای سکوت، سبز در سبز، باران شادی، بال‌های مهر و نیز یک قطعه موسیقی بی‌کلام با عنوان با نیلوفر تا مهتاب ارایه شده است. «حریر رویا» عنوان مقدمه این اثر شنیداری است که شنونده را برای انجام تکنیک‌های تن‌آرامی به ویژه تکنیک خاموشـی ذهن مهیا می‌کند تا به‌تدریـج بتواند مهارت فکرنکـردن یا به هیچ فکرکـردن را در خود تقویت کند. «صدای سـکوت» هم عنوان نخستین بخش اصلی آلبوم است. در این قطعه شنونده می‌تواند تکنیک تنفس عمیق را انجام دهد و نیز با تجسم فضاهایی که توصیف می‌شود، به اسـتقبال بخش بعدی که یگانگی با طبیعت را موعظه می‌کند، برود. «سبز در سبز» عنوان دومین بخش اصلی این مجموعه است که در آن، شنونده قادر خواهد بود با انجام تکنیک تجسم فعال، یگانگی با طبیعت را تجربه کند. عنوان سومین بخش اصلی «باران شادی» است. شنیدن مطالب این قطعه همـراه با تمرین تکنیک شـل‌کردن تدریجی عضلات، حس سبکی و درعین‌حال نشاط را برای شنونده به ارمغان می‌آورد. چهارمیـن بخش اصلی اثر، «بال‌های مهر» نام دارد که شنونده را از حس همدلی نسبت به خود و تمام محیـط اطرافش لبریز می‌کند. قطعه بی‌کلام این آلبوم نیز با عنوان «با نیلوفر تا مهتاب» روایت موسـیقایی موضوعاتی اسـت کـه در بخش‌های پیشـین، به‌صورت موسیقی گفتار، ارایه شده است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

واگذاری «میجر» در سینما متوقف شد

شرق: طبق دستور رییس سازمان سینمایی، واگذاری میجر متوقف شد. مدیرکل نمایش خانگی، مستند و فیلم کوتاه سازمان سینمایی خبر داد: «بنا بر دستور اکید ریاست سازمان سینمایی مبنی بر بررسی و تعیین‌تکلیف موضوع واگـذاری عناوین میجر (اهـدای فیلم‌های خارجی بدون ارایه اصل رایت) اداره کل نمایش خانگی مسـتند و فیلم کوتاه با بررسی چندماهه موضوع و نظر به قوانین موجود و رایزنی با اصناف سـینمایی از جمله اتحادیه ویدیورسانه و تهیه‌کنندگان سینمای ایران، نهایتا از واگذاری عناوین میجر جلوگیری کرد.»

«پروژه متحدان» در دوبی کلید خورد

شـرق: نمایشـگاهی با عنوان «سمت دیگر پیدایی» با آثاری از پنج‌هنرمند ایرانـی در «پروژه متحدان» دوبی به نمایش درآمده است. این نمایشگاه که از ۲۲مهر به مدت یک‌ماه در دوبی درحال برگزاری است، آثاری از طلا مدنی، حبیب فرج‌آبادی، دنیل گوردن، مریم حسـینی و بهرنگ صمـدزادگان را به‌معرض دید عموم گذاشـته اسـت. در وب‌سایت پروژه متحدان در توضیح نمایشگاه آمده است: «تمرکز بر مساله زیبایی، موضوع، رنگ و عمق فاصله‌ها، این نمایشگاه را از نظر بصری به پست‌مدرن‌هایی که ماتیس و روی لیختن‌اشتاین از پیشینیان هنری آن بوده‌اند، نزدیک کرده است.»

۴فیلم ایران‌نوین در جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن

شرق: چهارفیلم «ماهی و گربه»، «برف»، «ردکارپت» و «نورآستنی» از «ایران‌نوین فیلم» به جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن راه پیدا کردند. در این میان دو فیلم «ماهی و گربـه» به کارگردانی شـهرام مکری و تهیه‌کنندگی سپهر سـیفی و «ردکارپت»، به کارگردانی رضا عطاران و تهیه‌کنندگی احمد احمدی و سـرمایه‌گذاری مریم شـفیعی از تولیدات «ایران‌نوین فیلم» هستند. پخش بین‌المللی دوفیلم «برف» به کارگردانی مهدی رحمانی و «نورآستنی» به کارگردانی امید توتونچی برعهده ایران نوین فیلم است که این دوفیلم تابه‌حال حضور متعددی در جشـنواره‌های معتبر جهانی داشـته‌اند. جشنواره فیلم‌های ایرانی در لندن از ۲۹اکتبر تا ۹نوامبر (هفتم‌تا ۱۸آبان) برگزار می‌شـود. «ماهی و گربـه» دو اکران در روزهای اول و نهم نوامبر در سینما لومیر و سالن تئاتر گرین‌وود دارد.

فیلم‌های بخش «مسابقه ملی» جشنواره «سینماحقیقت» مشخص شدند

۱۲۲ فیلم در رقابت بهترین مستندهای سال

با نزدیک‌شدن به زمان برگزاری هشتمین دوره جشنواره فیلم مستند ایران- سینماحقیقت- اسامی فیلم‌های بخش «مسابقه ملی» در بخش‌های مختلف اعلام شد. براسـاس اعلام هیات انتخاب بخش «مسابقه ملی» هشتمین دوره جشنواره «سینماحقیقت» این هیات پس از بازبینی نزدیک به ۸۵۰ فیلم مستند ارسالی به دبیرخانه جشنواره در سه گروه مستندهای کوتاه، مستندهای نیمه‌بلند و مستندهای بلند، اسامی فیلم‌های پذیرفته‌شده بخش مسابقه ملی جشنواره سینماحقیقت را معرفی کرد.

در بخش مسـتندهای کوتاه با حضور علی‌اکبر ولدبیگی، مرتضی پایه‌شناس، لقمـان خالـدی به‌عنوان هیـات انتخاب، فیلم‌هـای آرزویم را دعـا کن (محمد زارع)، آرزوی همه (علی قدیریان)، آشـنای غریب (مصطفی شـبان)، آکوج (نادر شیخ‌الاسلامی)، اسپاسم (ساسـان خوش‌نیت)، استنساخ (کامیار فاروقی)، ایمان (مسـعود زارعیان)، اینجا چراغی روشن اسـت (کاظم حسینی)، بافندگان خیال (سـیدمحمدصادق جعفری)، بدون بلیط (صبا قاسمی)، بوعلی سینا (عبدالخالق طاهـری)، پارکینگ (عباس عمرانی‌بیـدی)، پنبه- وحید- فتاح و خاطراتشـان (محسن فضلی، سیدمهدی میرغیاثی)، تدریج (جواد آتش‌باری)، چرا رفتم ایتالیا (امین آزاد)، حرکت در سکوت (سیدحمید میرحسینی)، خواهرم محدثه (عاطفه محرابی)، خورشید باغ و پنجره (سعید شاه‌حسینی)، داروی کشنده (امیر تاجیک)، روزنه شـکر (یزدان کیانی)، زبان‌زدن به خراش کوچک سقف دهان (امیرمسعود حسینی)، زندگی آقای مهندس (رامین علوی)، زندگی در ثانیه صفر (علی و بلال الفت)، سراب (حسن قربانی‌وند)، سفالینه (سعادتعلی سعیدپور)، شاهخون (امین هیودی)، شهر خاموش (هوشنگ میرزایی)، شیر (مهدی فلامرزی)، صدای فیروزه (محمدامین شاه‌قلی)، طبیعت نیمه‌جان (امید عبداللهی)، قاشق (جلال ویسی)، کافه تهران (نیلوفر سعیدی)، لیر (محمدرضا حافظی)، ماریا (مهدی بمانی)، مالکیه (محمدباقر شاهین)، محیط‌بان (علی مختارزاده)، مدافعان نبل والزهرا (طه فروتن)، مردی به‌نام سیمین (بابک طاهری)، مرگ تالاب‌ها (محمدرضا کیان‌فر)، ملاقات با داعش (کار گروهی)، من. انیشتین. مونالیزا (مجتبی حسینی)، من نوازنده‌ام (نرگس فلاح‌پسند)، موگادیشـو (مصطفی آتش‌مرد)، میراث مجید (مصطفی آتش‌مرد)، نشان (فرزاد جعفری)، نفس‌های سیاه (علی نیکبخت)، نو (مینا مشهدی‌مهدی)، «ن» بی‌دردسر (یلدا قشقایی)، نیمه تاریک ماه (مهدی عزتی‌چهارقلعه) و آزادی (لعیا عباس‌میرزایی)، یعقـوب فرزند جرگلان (رضا غلامی‌مطلق)، ۱۲۴ (رقیه توکلی)، ۶۱/۲/۲۵ (الهام حسامی) انتخاب شدند.

همچنین در بخش مسـتندهای نیمه‌بلند اعضای هیات انتخاب: سیدحسین حق‌گـو، محمود رحمانـی، آزاده بیزارگیتی این فیلم‌ها را انتخـاب کردند: «آقای بیکار (علی همراز)، آقای عابدزاده (مرتضی سـلطانی)، آیدا در آینه شاملو (مختار شکری‌پور)، امپراطور (آرش صادقی، سام کلانتری)، اهالی خیابان یکطرفه (مهدی باقـری)، با خدا می‌رقصم (هوشـنگ میرزایی)، بانو (محمد صفـا)، بدون خروج (عادل محقق)، پرسـوک (رضا فرهمند، فاطمه موسوی)، چه کسی ما را کشت؟ (محمدحسـین جعفریان)، حاشـیه‌ای کوتاه بر یک متن بلند (وحید چاووش)، خدیجه نی‌زن و رمه‌هایش (امیر شـکرگزار)، خون‌سـرد (هادی معصوم‌دوست)، درخت سـخنگو (علیرضا قاسم‌خان)، دست به مهره (سیدوحید حسینی)، دکتر یوسـف مجیدزاده (پژمان مظاهری‌پور)، دوازده سالگی (رضا عبیات)، روزگار مرد سـالخورده (سـام ارجمندی)، روی زیرزمین (ماهان خمامی‌پور)، زار خاک (رضا توفیق‌جو)، زمان به وقت موسـیو ستبون (محمود کریمی)، زنان فرماندار (مژگان ایلانلو)، زیبایی ناشـناخته (محبوبه هنریان)، ژاک دومورگان (فرشـاد اکتسابی)، سفید هلالی (ایوب مروانی‌پور)، سیاهان سواحل جنوب (فرهاد ورهرام)، عروسک‌ها نمی‌دانند (نوا رضوانی)، فراتر از رنگ (مریم سپهری)، قفنوس (جمشید بیات‌ترک)، کلارا (پویان وزیری)، گزارشـی درباره مینا (کاوه مظاهری)، مانتوهای رنگ روشن (سعید روستایی)، ماهان (محسن رحمانی)، مروارید سیاه (کاوه بهرامی‌مقدم)، من تهرانی بودم (سـجاد ایمانی)، من زن نیسـتم (حسین عباسی)، می‌لا دو (فاطمه طوسـی)، ننه‌حسـن (محمدعلی طالبی، آرش طالبی)، وقتی گنجشک‌ها جیغ می‌کشند (خلیل رشنوی).»

محمدحسین مهدویان، مسعود امینی‌تیرانی، رامتین شهبازی هیات انتخاب بخش مسـتند بلند نیز آتلان (معین کریم‌الدینی)، ابرهـا در راهند (محمدعلی فارسی)، اتاق جنگ (مصطفی حریری)، بختک (محمدکارت)، بغض هامون (محسن شیرزایی)، بلاکشان (شهروز توکل)، پلنگاب (مظفر حسینخانی‌هزاوه)، پهلوان و خرقه (آرش لاهوتی)، جایی برای زندگی (محسن استادعلی)، جدایی (داود عبدالملکی)، چنارستان (هادی آفریده)، حیات در رگ‌های سرد (فتح‌الله امیری)، خانه سیمین و جلال (پریسا عشقی)، خرابات (آرش اسحاقی)، در فاصله دو کوچ (روبرت صافاریان)، زندگی پنهان (دلاور دوستاییان)، سچانک (مازیار مشتاق گوهری)، سخت مثل آب (آرش سنجابی)، سفر به آمادای (فرشاد افشین‌پور)، سفر بی‌پایان (سعید تارازی)، سیاه‌چاله (مهدی چلاتی)، شش قرن و شش سال (مجتبی میرتهماسب)، طلب فیض (سـیدمحمدصادق جعفری)، عیار مشروطه (محمود یارمحمدلو)، فلک ناز (سحر سلحشـور)، فیه ما فیه (صادق داوری‌فر)، کد۶ (امیررضا جلالیان)، گزارش یک بازپرس (محسن خان‌جهانی)، گوریا (لیلا فولادوند، محمدحسین نظری) و من می‌خوام شاه بشم (مهدی گنجی) را به‌عنوان آثار رسیده به جشنواره معرفی کردند.

مرکز گسـترش سینمای مستند و تجربی سازمان امور سینمایی، هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» را همزمان با ولادت باسعادت حضرت امام‌موسی کاظم(ع) و طی روزهای ۹تا۱۶آذر۹۳، با شعار «حقیقت بهترین راهنماسـت» که از فرمایشات حضرت‌علی(ع) است، در شهر تهران برگزار خواهد کرد.